

« که از اعداد عظمی بود »

سنگت اریل سه گل اندر دستان تو + گلشن نغمه خوان کن که غم سه جهان تو
گه از درد دستان گه خاطر سیرگداس + چه اندوهی بدل داری که آن نوزد آن تو
گر اریل مکن برین بار خوان گس + که در فصل بهاران هم فزون کرد دستان تو
قران سه زوهای تو که یاد ماه + چه عین در ایام که بگذشت قران تو
گل اندر دانی گلشن جو عیس در بر غم + زنه نغمه جان بود که مازد دستان تو
نوا آشن بود زدی بر دل صغر + عجب دلم از آن آشنی نوزد دستان تو
بودن بر از زگر بود در دوح او ای + دل اشک دستان بود بر دستان تو
بوی زلفی گل بود دل دستان تو غم + چه خوش با کسیه با آن در خود تو آن زمان تو
بود محی تو در دوح او ای شود دلم برین + بود برین و سگر از او برین بیان تو
قص کرد از طلا به تراد کند مسازد + بیان کلیم غم بیاید آستان تو
سوز از هر گل بنفشه خوار و حور خس + نعم خوشی اگر زیم را سینه دستان تو
بیا به مازد از دستان عایش بدل + زنتش که خوشی عیش عیش دستان تو
گلشن از دستان عیش خوان به صغر + نوزد از تو دل سه بود که در دوح خوان تو

۱۹۶۷